

بازاندیشی اقتصاد سیاسی بین الملل

بنجامین جی. کوهن

مترجمان

سجاد بهرامی مقدم

استادیار روابط بین الملل دانشگاه گیلان

رضا ریحانی کلاچاهی



دانشگاه خوارزمی

تهران ۱۴۰۲

سرشناسه	:	کوهن، بنجامین جری Cohen, Benjamin Jerry
عنوان و نام پدیدآور	:	بازاندیشی اقتصاد سیاسی بین الملل / بنجامین جی. کوهن؛ مترجمان سجاد بهرامی مقدم، رضا ریحانی کلاچاهی.
مشخصات نشر	:	تهران: دانشگاه خوارزمی، انتشارات، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۲۴۰ ص.
شابک	:	۴۰۰۰۰۰۰ ریال. 978-600-8587-86-6
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان اصلی: [2022], Rethinking international political economy.
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	اقتصاد بین الملل - تحقیق International economic relations - Research سیاست اقتصادی Economic policy
شناسه افزوده	:	بهرامی مقدم، سجاد، ۱۳۶۱ - مترجم
شناسه افزوده	:	ریحانی کلاچاهی، رضا، ۱۳۷۳ - مترجم
شناسه افزوده	:	دانشگاه خوارزمی. انتشارات
رده بندی کنگره	:	HF۱۳۵۹
رده بندی دیویی	:	۳۳۰
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۳۵۸۷۳
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

www.ketab.ir



عنوان کتاب	:	بازاندیشی اقتصادی سیاسی
نویسنده	:	بنجامین جی. کوهن
ترجمه	:	سجاد بهرامی مقدم، رضا ریحانی کلاچاهی
ناشر	:	دانشگاه خوارزمی
چاپ و صحافی	:	دانشگاه خوارزمی
صفحه آرا	:	صدیقه عرب
طراح جلد	:	فاطمه منظور
نوبت و سال چاپ	:	اول، ۱۴۰۲
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۵۸۷-۸۶-۶
شمار	:	۵۰۰ نسخه
قیمت	:	۴۰۰۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به انتشارات دانشگاه خوارزمی است.

آدرس: تهران، خ شهید مفتاح، شماره ۴۳، کدپستی ۱۴۹۱۱-۱۵۷۱۹ تلفن مرکز پخش: ۸۸۳۱۱۸۶۶

pub@khu.ac.ir

www.khu.ac.ir

بازنگری در علوم سیاسی و مطالعات بین‌المللی

این مجموعه کتاب، مجمعی برای نوشتارهای علمی نوآورانه از تمام زمینه‌های اساسی علوم سیاسی و مطالعات بین‌المللی است. هدف این مجموعه، در حقیقت غنی‌سازی مطالعه این زمینه‌ها، با ترویج رویکردی پیشرفته به اندیشه و تحلیل است. بررسی دقیق و چالش در حوزه آکادمیک، جزء اساسی در توسعه علوم سیاسی و مطالعات بین‌المللی به‌عنوان رشته‌های تحصیلی است و اقدام به بازاندیشی و بازنگری اصول و احکامی که ممکن است از دیرباز مورد توجه بوده باشند، امری ضروری است.

حوزه بازنگری در علوم سیاسی و مطالعات بین‌المللی، نماینده آثار تألیفی‌ای است که از زاویه‌ای جدید به این محدوده می‌پردازند. ضعف‌های مفاهیم و استدلال‌های موجود را آشکار کرده، یا به نوعی موضوع را دوباره «چارچوب‌بندی» خواهند نمود. این عمل ممکن است از طریق معرفی ایده‌هایی رادیکال، انجام دیدگاه‌های حوزه‌های مطالعاتی یا حتی رشته‌های دیگر، از طریق به چالش کشیدن پارادایم‌های موجود، یا صرفاً از طریق محدوده‌ای از تجزیه و تحلیل باشد که درک ما از یک موضوع را بالاتر برده و یا تسریع می‌کنند.

عناوین این مجموعه عبارتند از:

بازاندیشی در روابط بین‌الملل

اثر برتراند بدیع

بازنگری در اقتصاد سیاسی بین‌المللی

بنجامین جی کوهن چلتنهام، بریتانیا

۵	بازنگری در علوم سیاسی و مطالعات بین‌المللی
۱۳	پیشگفتار
۲۰	منابع پیشگفتار

فصل اول: پیش درآمد

۲۴	تنوع
۲۷	تاریخ
۳۲	یادگیری
۳۴	دستاوردها
۴۲	مشکلات تفرقه افکن
۴۷	منابع فصل اول

فصل دوم: تصویر بزرگ

۵۳	ویژگی‌ها
۶۰	دیدگاه‌های ارتدکس یا جریان اصلی
۶۱	مدرسه آمریکایی
۶۸	دگرگونی‌ها
۷۱	دیدگاه‌های هترو دوکس (یا جریان غیر اصلی)
۷۲	مایه‌های مشترک
۷۵	نظریه‌های سطح سیستم
۷۶	مارکسیسم
۷۶	نظریه وابستگی
۷۸	نظریه نظام‌های جهانی
۸۰	نظم‌های جهانی

۸۱	 نظریه انتقادی
۸۳	 ضمایم
۸۸	 نتیجه‌گیری
۸۹	 منابع فصل دوم

فصل سوم: بازاریابی در هدف

۹۳	 احتمالات و ممکنات
۹۷	 اقتصاد سیاسی بین‌الملل امروزی
۹۷	 ترکیب
۱۰۲	 برخی از نشانه‌ها
۱۰۶	 استثناء چینی
۱۱۱	 داوری پیرامون ترکیب
۱۱۲	 ذهنیت متقابل
۱۱۶	 تحقیر یک‌جانبه
۱۲۳	 بازاریابی در ترکیب
۱۲۴	 ذهنیت متقابل
۱۲۸	 نتیجه‌گیری
۱۲۸	 منابع فصل سوم

فصل چهارم: بازاریابی در چندسان بودگی

۱۳۳	 معضل
۱۳۴	 نفرین؟
۱۳۵	 نعمت؟
۱۳۸	 آسیب‌شناسی‌ها
۱۴۱	 مخالفت آشکار
۱۴۳	 یک تصویر
۱۴۳	 جریان اصلی

۱۴۶	جریان غیر اصلی
۱۴۹	دردی بی درمان؟
۱۵۲	راهکارها
۱۵۳	استعاره
۱۵۵	التقاط در ساحت تحلیل
۱۵۷	ارتباطات و اشتراکات
۱۵۸	هستی شناسی
۱۶۱	سرحدات و مرز
۱۶۴	معرفت شناسی
۱۶۶	نتیجه گیری
۱۶۷	منابع فصل چهارم

فصل پنجم: بازنگری در دستور کار

۱۷۴	نارضایتی
۱۷۶	دیگر محدودیت ها
۱۷۹	مزیت نسبی
۱۸۱	مفاهیم
۱۸۵	تصویر سازی ها
۱۸۵	مروری کوچک
۱۸۸	ظهور چین
۱۹۱	تغییر اقلیم
۱۹۴	مهاجرت
۱۹۷	مالی سازی
۲۰۰	جنسیت
۲۰۲	استعمار
۲۰۳	الگوها

۲۰۵	نتیجه‌گیری
۲۰۶	منابع فصل پنجم
فصل ششم: چالش بزرگ	
۲۱۴	این سو و آن سو
۲۱۴	این سو
۲۱۶	آن سو
۲۱۷	راه‌حل‌ها
۲۱۷	مشارکت عمومی
۲۱۹	تنوع
۲۲۲	یک راز
۲۲۴	دروازه‌بان‌ها
۲۲۶	آموزگاران
۲۲۸	کمیته‌های پرسنلی
۲۲۹	برنامه‌های تأمین مالی پژوهشی
۲۳۰	کرسیهای آموزشی
۲۳۰	سردبیران ژورنال‌های علمی و کتاب
۲۳۱	چالش بزرگ
۲۳۴	یک برنامه عملی
۲۳۴	یک کد برای بهترین شیوه‌ها
۲۳۶	چماق‌های پژوهشی
۲۳۷	هویج‌ها
۲۳۹	نتیجه‌گیری
۲۳۹	منابع فصل ششم

پیشگفتار

من زندگی حرفه‌ای خود را تحت عنوان اقتصاد سیاسی بین‌الملل (IPE) آغاز نکردم. تمامی دوره‌های آموزشی رسمی من در محیط دانشگاهی، در گذشته‌ای که البته به یاد هم نمی‌آید، در حوزه اقتصاد متعارف بوده است که یک انتخاب بسیار ساده‌تر می‌باشد. از ابتدای تحصیل می‌دانستم که می‌خواهم در رشته اقتصاد به تخصص دست یابم. همانطور که میان اغلب شوخی‌هایم با دانشجویان مشهود است، بیشتر به این دلیل می‌خواستم در اقتصاد بین‌الملل تخصص داشته باشم که به اندازه ممکن جهان را ببینم و از میان همه شاخه‌های رشته اقتصاد، به نظر می‌رسید اقتصاد بین‌الملل بزرگ‌ترین فرصت را برای چنین سفری نوید می‌داد. در آن زمان حتی نام اقتصاد سیاسی به گوشم نخورده بود. تقریباً شش دهه پیش، تنها پس از اینکه نخستین پست آکادمیک خود را به دست آوردم، شروع به گسترش جاه‌طلبی‌های خود نمودم تا نه تنها بر اقتصاد، بلکه بر سیاست بین‌الملل نیز احاطه یابم. اودیسه‌ای برای من آغاز شده بود. البته برای من این یک ماجرای رضایت‌بخش بوده است.

گذار من به حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل به سرعت انجام نشد. چگونه می‌توانستم به محدوده‌ای وارد شوم که حتی هنوز به عنوان یک رشته تحصیلی شناخته شده، پدید نیامده بود؟ البته نمودهایی از آن در آمریکای لاتین و مکان‌های دیگر در جهان در حال توسعه، یافت می‌شد، در آثار مارکسیست‌ها و دیگران، با تلاش افق‌های انتقادی‌تر. اندیشمندانی مانند آنان در مشاهده ارتباط میان اقتصاد و سیاست در سیستم جهانی سرمایه‌داری مشکل کمی داشتند. اما در قانون علوم اجتماعی غربی که در آن آموزش دیده بودم، هنوز هیچ نهاد رسمی سازمان‌دهنده‌ای برای آنچه امروز ما آن را اقتصاد سیاسی می‌نامیم وجود نداشت. رشته‌های متداول علوم سیاسی و اقتصاد مدت‌ها بود که کاملاً از هم جدا شده بودند و به سختی حتی واژه‌ای بین آنها رد و بدل می‌شد. مطمئناً هیچ ارتباط منظمی بین آنها در مورد مسائل بین‌المللی وجود نداشت. به یاد می‌آورم در دوره تحصیلی که در مقطع کارشناسی طی

می‌کردم، یعنی مقدمه‌ای بر سیاست جهانی، به ندرت به «سیاست ادنی» در روابط اقتصادی اشاره شده بود. در آن زمان، موضوع سخنرانی‌ها همه در مورد امنیت نظامی و تهدید سلاح‌های هسته‌ای بود. برعکس، در هیچ یک از دوره‌های متعدد دانشگاهی اقتصاد چیزی در مورد فرآیندها یا نهادهای سیاسی نشنیدم. کلاس‌های ما همگی در مورد بهره‌وری از منابع، تثبیت بازار و تعقیب شکار گریزان بهیگی پارتو بودند. این دو هرگز یکدیگر را دریافتند.

اما بخت با من بود. همانطور که معلوم شد، من در این حوزه تنها نبودم. در اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، نسل پیشگامی از محققان در دو سوی اقیانوس اطلس به تازگی شروع به کشف ابعاد گوناگون سیاسی اقتصاد جهانی کرده بودند. اینها شامل بزرگانی مانند باب گیلین، پتر کاتزنشتاین، باب کیوهین، چارلز کیندلبرگر و سوزان استرنج بودند. یک رشته مطالعاتی جدید به نام اقتصاد سیاسی بین‌الملل شروع به ظهور کرد (یا به قول بعضی‌ها دوباره ظاهر گردید).

تا زمانی که در معرض تلاش‌های پیشگامانه آن‌ها قرار نگرفته بودم، مسیر شغلی من غیر قابل توجه بود. من اقتصاد بین‌الملل متعارف را از روی نظر پتر کنان، یکی از برترین اقتصاددانان بین‌المللی آن روز مطالعه کردم. سپس، با در دست داشتن مدرک دکتری خود، به مدت دو سال به عنوان اقتصاددان پژوهشی در بانک فدرال رزرو نیویورک کار کردم و حتی پس از شروع به کار تدریس در دانشگاه پرینستون در سال ۱۹۶۴، همچنان به استانداردهای اقتصاد ارتدکس پایبند بودم. نقطه عطفی در سال ۱۹۶۸ رخ داد، زمانی که به لندن پای گذاشتم تا یک سال پایانی را صرف نوشتن کتابی در مورد پوند استرلینگ بریتانیا کنم (Cohen 1971). به من گفته شد که اگر قرار است در مورد پوند تحقیق کنم، باید شخص استرنج را ملاقات کنم، کسی که در آن زمان روی کتابی در مورد ارز استرلینگ نیز کار می‌کرد و مدتی بعد با عنوان استرلینگ و سیاست بریتانیا (Strange 1971) منتشر شد. بنابراین من او را یافتم. وقتی با هم ملاقات نمودیم، با وظیفه‌شناسی به او در مورد برنامه‌ام برای انجام یک محاسبه صرفاً اقتصادی از نظر رابطه هزینه - فایده برای نقش

استرلینگ به عنوان یک ارز بین‌المللی گفتم. خانم استرنج، با چشمانی نیمه باز به من خیره شد و پاسخ داد: «اوه، جری، نمی‌توانی در مورد پوند بدون صحبت درباره سیاست بنویسی» - این واکنشی بود که وی بعدها نیز در هر موقعیت ممکن برای من تکرار می‌کرد. در آن زمان، با سرسختی‌ای که از آموزش‌های متعارف اقتصادی من ریشه می‌گرفت، ایستادگی می‌کردم. من در اشتباه بودم. کتاب او، یک مطالعه تاریخی بسیار جالب‌تر بود. در نهایت، پیام دکتر استرنج را دریافتم. زمانی که به ایالات متحده بازگشتم، مصمم بودم - تا حد زیادی از او تشکر کنم - که پای در این جریان جدید و جذاب دانش پژوهی گذارم. این شوق به تربیتی شدید بود که من را به کار دو ساله در زمینه نوظهور سوق داد. اولین مورد «مسئله امپریالیسم: اقتصاد سیاسی سلطه و وابستگی» (1973) بود که عمدتاً در پاسخ به سؤالات مداوم دانشجویانم درباره نابرابری‌های ظاهری نظام اقتصاد جهانی به نگارش درآمد. دومین نمونه، کتاب معتبر من، «سازماندهی پول جهان» (Cohen 1977) بود که می‌توان آن را به عنوان اولین کاوش کاملاً یکپارچه ابعاد اقتصادی و سیاسی حاکمیت پولی جهانی توصیف کرد. این دو اثر بیانگر تکمیل تحول اندیشه من بودند و یکی از موارد نادر بازانندیشی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل محسوب می‌شدند. در همان احوال، یک اقتصاددان، از ناظران امور درباره من نوشت، «او کسی است که از نوای دانشی ملال‌آور می‌آید» (Underhill 2000: 811). از آن زمان، اقتصاد سیاسی بین‌الملل خانه علمی من بوده است.

با این حال همراه با گذشت زمان، به نظر می‌رسد خانه‌ای که این رشته در اختیار من قرار داده است، به طور فزاینده‌ای آسیب دیده است. البته همه بر این امر توافق ندارند. برای بسیاری از افراد در این زمینه، اقتصاد سیاسی بین‌الملل بیش از پیش در حال رشد تصور می‌شود. اما من مخالفم. در طی این سال‌ها، سعی کرده‌ام تا جایی که می‌توانم درباره این رشته، چه نقاط قوت و چه ضعف آن، بیاموزم. برخلاف تعداد زیادی از همکاران آمریکایی‌ام، من تلاش مصممانه‌تری را انجام داده‌ام تا خود را در حوزه نسخه‌هایی از اقتصاد سیاسی بین‌الملل که در سایر نقاط جهان و نه فقط به صورت محلی در ایالات

متحده، مکان تحصیل من یافت می‌شود، به - انجام رسانم. ابتدا اقتصاد سیاسی بین‌الملل: تاریخ‌اندیشه (Cohen 2008) را مطرح کردم، که در آن سعی نمودم تاریخچه مختصری از این رشته از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی ارائه دهم. گستره آن اثر، به طور عمدی محدود به دنیای انگلیسی‌زبان بود - که در غیر این صورت به عنوان "Anglosphere" یا سپهر انگلیسی شناخته می‌گردد - که در اینجا عمدتاً ایالات متحده، کانادا، جزایر بریتانیایی، و قاره آمریکا را شامل می‌شود. این اثر همچنین محدود به آن چیزی بود که می‌توان به مفاهیم اصلی اقتصاد سیاسی بین‌الملل در همان سپهر در نظر گرفت، به استثناء مواردی که کژراهه خوانده می‌شوند. گرچه قصد من این بود که افق‌ها را با فراتر رفتن از یک دیدگاه ارتدکس واحد گسترش دهم، اما از انتقاد نسبت به کتاب، به دلیل محدود بودن پوشش آن، شگفت‌زده شدم. به بیان یکی از همین تفاسیر، «محاسبه کوهن، موارد بسیاری را حذف می‌کند. این حذفیات به معنای نادیده انگاشتن بخش قابل توجهی از آن چیزهایی است که در اقتصاد سیاسی بین‌الملل آموزش داده شده و به نگارش درآمده است» (Leander 2009: 322-3). پس از تأمل، متوجه شدم که باید موافقت کنم. از این رو، چند سال بعد، کتاب دومی به نام «درآمدی پیشرفته بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل» را تألیف نمودم که هم اکنون مراحل چاپ دوم خود را می‌گذراند (Cohen, 2019) و ممکن است به عنوان دنباله‌ای بر تاریخچه فکری قبلی من در نظر گرفته شود. کتاب درآمدی پیشرفته، ما را بسیار دورتر برده و دیدگاه‌ها را حتی بیشتر گسترش داد. هدف من در آن اثر این بود که گردشی جامع از اقتصاد سیاسی بین‌الملل را آن گونه که در سراسر جهان وجود دارد ارائه نمایم.

با این حال، متأسفانه هر چه بیشتر در مورد اقتصاد سیاسی بین‌الملل در قالب‌های گوناگون آن آموخته‌ام، از آنچه حوزه پژوهشی ما به تدریج تبدیل شده است، بیشتر احساس نارضایتی می‌کنم. البته برخی ممکن است گمان کنند که این رویداد تنها به این دلیل است که من کمی پیر و بداخلاق شده‌ام. اما ممکن است حقیقتی هم در آن وجود داشته باشد. (به عنوان مثال، همسرم ممکن است صمیمانه موافق باشد.) دیگران مرا به

بدبینی، شاید حتی توهم شدید متهم خواهند نمود. اما من خود عامل آن ناامیدی نیستم. من بیشتر تمایل دارم خود را در لحظه‌ای که گستره تاریکی کم شده، میان روزنه‌ای کم نور، راه واقع‌بینانه‌ای به جلو ببینم.

با صراحت بیان می‌دارم: متقاعد شده‌ام که قطار ما از ریل خارج شده و در حال حرکت در مسیرهایی است که اگر به کلی بی‌اهمیت نباشند، دست کم اشتباه هستند. آسیب‌شناسی‌هایی این رشته را احاطه کردند که می‌تواند حیات آن، حتی موجودیت آن را تهدید کند. با مقاله‌ای که در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر شد، با عنوان «شکاف میان-آتلانتیکی: چرا اقتصاد سیاسی بین‌الملل در آمریکا و بریتانیا این چنین متفاوت هستند؟» آغاز می‌شود (Cohen, 2007) و در ادامه با تاریخچه فکری و مقدمه پیشرفته و تعدادی از مقالات، پویش طولانی مدنی را برای متقاعد کردن همکاران علمی خود به راه انداخته‌ام تا ذهن خود را برای بازنگری در ماهیت و هدف کاری که انجام می‌دهیم باز کنند. به طور خلاصه، برای تجدیدنظر در این دانش این کتاب ادامه دهنده این تلاش است. بازاندیشی در اقتصاد سیاسی بین‌الملل، داوری من را در مورد اینکه این حوزه به چه سمت و سویی رفته است و در عوض باید به کجا برسد، خلاصه می‌کند. لفظ بازاندیشی به این معنی نیست که ما باید تمامی این لوح را پاک کرده و از نو شروع کنیم. ارزش‌های زیادی در این زمینه وجود دارد که می‌توان و باید آنان را حفظ نمود. این تلاش همچنین به معنای بازگشت به عصر طلایی ادعایی هم نیست. هرگز چنین عصری وجود نداشته است. بازاندیشی به معنای ساختن بر روی آنچه قبلاً انجام شده است و در عین حال اصلاحات مورد نیاز خواهد بود. هنوز برای نجات اقتصاد سیاسی بین‌الملل از روند جاری آن دیر نیست.

اما آیا کسی این نوا را خواهد شنید؟ زمانی که این پروژه را به تازگی آغاز کرده بودم، یک همکار ارشد و با سابقه به من توصیه کرد که وقت خود را تلف نکنم. نیت او محترمانه بود. وی هشدار داد که هیچ کس اهمیتی نخواهد داد. اذهان از قبل برساخته شده‌اند و بعید است که تجدیدنظر نمایند. زمان و تلاش بسیاری برای اوضاع موجود سرمایه‌گذاری شده است. من بر

اساس تجربه تلخ خود می‌دانستم که دوست مهربانم حقیقت را بیان می‌کند. در واقع بسیاری در این زمینه هیچ دلیلی برای تغییر قابل توجه نمی‌بینند. یک بار، پس از اینکه برخی از ایده‌هایم را شرح دادم، یکی دیگر از همکاران برجسته پاسخ داد: «جری کار را جدی بگیر». خُب، من جدی هستم، و دوست دارم آن طور فکر کنم که بسیاری از همکاران علمی نیز وجود دارند که ممکن است نگرانی‌هایی مانند دغدغه‌های من را با من در میان گذارند. تنها می‌توانم امیدوار باشم که استدلال‌هایم در این مقال به شکل منصفانه مورد بررسی قرار گیرند.

مخاطبان مورد نظر من در این کتاب به طور خاص شامل دو گروه هستند. اول، هم‌تایان علمی من در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی در سرتاسر جهان که علائق آنان برخی از جنبه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل را در بر می‌گیرد یا با آنها هم‌مرز است. آنان همان افرادی هستند که با آثار، تدریس و سایر فعالیت‌های حرفه‌ای خود، مجموعاً پارامترهای این رشته را به شکل امروزی تعریف می‌کنند. و دوم تعداد بسیاری از دانشجویان رشته اقتصاد سیاسی بین‌الملل در کلاس‌های درس در سراسر جهان. این افراد هستند که زوایای میدان عمل را آنطور که فردا به تجربه درخواهد آمد تعریف می‌کنند. همراه با تواضع، جاه‌طلبی من تغییر اذهان در گروه نخست و یاری رسانی به شکل‌دهی ذهن گروه دوم است. تمایل خود را برای تکان دادن اوضاع پنهان نمی‌کنم. هدف من این است که مداخله‌گر و سازنده باشم. تألیف چنین کتابی بدون کمک و تشویق سخاوتمندانه تعداد زیادی از دوستان و همکارانم به سختی امکان‌پذیر بود، البته هیچ یک از آنها را نمی‌توان در قبال مفاهیمی که بیان می‌کنم مسئول دانست. من مدیون حمایت همه آنها هستم. به ویژه از هفت نفر از دوستانی که با ارائه نقدهای ارزشمندی که هنوز در حال آماده شدن بود، رضایت دادند تا تمام نسخه خطی این کتاب را بخوانند. اینها گرگ چین، باب دانمارک، رندی ژرمن، جرمی گرین، اندرو والتر، هانگینگ وانگ و متیو واتسون بودند. همچنین به شکلی ژرف مدیون دوستان دیگری نیز هستم که یک یا چند فصل از پیش‌نویس کتاب را خوانده‌اند، از

جمله جف چویروث، مایلز کالر، پتر کاتزنشتاین، باب کیوهین، دیوید لیک، ماتیس ماتیس، کریگ مورفی، و کوین یانگ.

این دوستان و تعداد قابل توجهی از همکاران دیگر نیز با بزرگواری موافقت کردند که به تلاش‌های من، در زمانی که این پروژه به تازگی در حال اجرا بود و اکثراً نشان دهند و توانستم تا نظرات آنها را در مورد موضوعاتی که قصد پرداختن به آنها را داشتم، درخواست نمایم. در مجموع، حدود ۵۴ محقق همکار اندیشه خود را با من در میان گذاشتند. آنان بخش وسیعی از این پژوهشگران این رشته شامل پژوهشگران جوان و ارشد و نماینده طیفی از ملیت‌ها و جهت‌گیری‌های نظری بودند. در نقاط مختلف متن هم از برخی از این همکاران نقل شده است. اما واژگان آنها بدون ذکر منبع ارائه شده است تا از ناشناس ماندن آنها اطمینان حاصل گردد. در تمام این موارد، نظرات و مشاهدات صادقانه از ارتباطات خصوصی بازتولید می‌شوند. این رقبای لیک عبارتند از: لزلی آرمیجو، دیوید بیرس، ژاکلین بست، استیو بست، مارک بلیت، لارنس بروز، کریستوفر چیس دان، استفن شودوین، جف چویروث، باب دانمارک، جف فریدن، رندی ژرمن، جرمی گرین، مارک هالبرگ، شاهار حمیری، اریک هلینر، رندی هنینگ، نیکلاس جابکو، جو ژوپیل، مایلز کالر، سائوری کاتادا، پتر کاتزنشتاین، رایان کاتز-روزن، باب کیوهین، جانانان کرشنر، دیوید لیک، دیوید لبلانگ، اد منفیلد، ماتیس ماتیس، دان مک‌دول، دانیل موگ، کریگ مورفی، آندریاس نولکه، رابرت اوبراین، میگل اوترو ایگلسیاس، لو پائولی، تام پینسکی، لوسیا کولگیا، توماس ریس، بیل رابینسون، نیتا رودرا، مارک شوارتز، بن سلوین، جیسون شارمن، تیم سینکلر، دیوید اشتاینبرگ، فدریکو اشتاینبرگ، جفری آندرهیل، اندرو والتر، هانگینگ وانگ، متیو واتسون، ویل وینکف و کوین یانگ.

بخش‌هایی از این دست‌نوشته در کنفرانس‌های دانشگاه واترلو (کانادا) و فلاکسو کیتو (اکوادور) ارائه و مورد بحث قرار گرفت. نظرات و پیشنهاداتی که از شرکت‌کنندگان در این رویدادها دریافت کردم بسیار ارزشمند بودند. مشاهدات مفیدی نیز از دو دانشجوی

برنامه مطالعات جهانی در دانشگاه کالیفرنیا سانتا باربارا، برت آهو و ماریا میلر به دست آوردم. علاوه بر این، من از کمک پژوهشی چند تن از دانشجویانم در بخش علوم سیاسی دانشگاه سانتا باربارا در کالیفرنیا، از جمله و شنیشتا دوشی، اندرو جانسون، اریک استاین، اینگمار استورم، و آنجولی و ستر بهره‌مند شدم. از حمایت پرتلاش آنها نیز سپاسگزارم. این کتاب به یاد پیتز کنان و چارلز کیندلبرگر، دو استاد بزرگ حرفه اقتصاد اختصاص دارد که عقل و ایده‌هایشان برای بیش از نیم قرن الهام‌بخش من بوده است.

در نهایت، صمیمانه از هر کسی که حقیقتاً زحمت خواندن آنچه را که در صفحات بعدی می‌گویم، به خود دهد، صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. شما خوانندگان متوجه خواهید شد که لحن من البته تحریک‌آمیز است. این موضوع عمدی است. اگرچه قصد من این نیست که گفتاری بحث‌برانگیز ارائه دهم، اما امیدوارم بتوانم مردمان را از منزل آسایش خود کمی بیرون کنم. زیرا کمی غلبه شکی می‌تواند راه درازی پیش ببرد.

منابع پیشگفتار

- Cohen, Benjamin J. (1971), *The Future of Sterling as an International Currency* (London: Macmillan).
- Cohen, Benjamin J. (1973), *The Question of Imperialism: The Political Economy of Dominance and Dependence* (New York: Basic Books).
- Cohen, Benjamin J. (1977), *Organizing the World's Money: The Political Economy of International Monetary Relations* (New York: Basic Books).
- Cohen, Benjamin J. (2007), "The Transatlantic Divide: Why are American and British IPE So Different?" *Review of International Political Economy* 14:2, 197–219.
- Cohen, Benjamin J. (2008), *International Political Economy: An Intellectual History* (Princeton, NJ: Princeton University Press).
- Cohen, Benjamin J. (2019), *Advanced Introduction to International Political Economy*, revised 2nd edition (Cheltenham, UK: Edward Elgar).
- Leander, Anna (2009), "Why We Need Multiple Stories about the Global Political Economy," *Review of International Political Economy* 16:2, 321–8.
- Strange, Susan (1971), *Sterling and British Policy: A Political Study of an International Currency in Decline* (London: Oxford University Press).
- Underhill, Geoffrey R.D. (2000), "State, Market, and Global Political Economy: Genealogy of an (Inter?) Discipline," *International Affairs* 76:4, 805–24.